

رویکردی میان رشته‌ای به پیشگیری از وقوع جرم (رهیافت اقتصادی - روانشناسی)

علیرضا دقیقی اصلی^۱

محمد سریرافراز^۲

سمیه سادات مکیان^۳

فاطمه فهیمی فر^۴

تاریخ پذیرش: ۸۸/۹/۲۵

تاریخ وصول: ۸۸/۲/۱۲

چکیده

جرم پدیده‌ای است که بسیاری از عوامل اجتماعی، اقتصادی، روانشناسی، حقوقی و... را شامل می‌شود. اما به نظر می‌رسد آنچه که مادر تمام این عوامل است عوامل اقتصادی نظیر بیکاری، فقر، توزیع نامناسب درآمد، تورم و... باشد. اما سؤال اینجاست که این عوامل چگونه بر انسان تأثیر گذاشته و باعث ارتکاب پدیده شوم جرم می‌گردد؟ پاسخ به این سؤال تنها زمانی محقق خواهد شد تا با پرهیز از نگرش تک بعدی و با رویکردی چندرشته‌ای به مسئله فوق نگریسته شود.

لذا نگارندگان در اقدامی نوآورانه بر آن شدند با تلفیق علوم روانشناسی و اقتصاد و با رویکردی جامع، سعی در ارائه راهکارهای پیشگیری از وقوع جرم کنند. بدین منظور نگارندگان معتقدند اگرچه نمی‌توان مشکلات اقتصادی را به راحتی از بین برد اما به کمک علم روانشناسی می‌توان اثرات منفی آن را بر روح و روان انسان تا حدود زیادی کاهش داد که یکی از دستاوردهای آن کاهش انگیزه برای وقوع جرم می‌باشد.

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، عضو باشگاه پژوهشگران جوان

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه علامه طباطبائی

۴- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، عضو باشگاه پژوهشگران جوان



واژگان کلیدی: اقتصاد، انگیزه، میان رشته‌ای، پیش‌گیری، جرم، روان‌شناسی.

مقدمه

وقوع جرم از پلیدی‌های جوامع بوده که همواره مسئولین هر کشور سعی در کاهش آن دارند. از آنجایی که همواره پیشگیری بهتر از درمان بوده است، لذا باید عوامل مؤثر بر وقوع آن را شناسایی و فضای جامعه را به گونه‌ای بستر سازی کرد تا وقوع جرایم به حداقل برسد.

با نگاهی گذارا به ارتکاب پدیده جرم در جوامع، شاهد آن خواهیم بود که عوامل متعددی نظیر عوامل اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، روانشناسی، حقوقی و ... باعث ظهور پدیده شوم جرم می‌گردد، پس باید با رویکردی جامع‌نگر، تمام عوامل فوق را در نظر گرفته و ضمن شناسایی چگونگی ارتباط آنها با یکدیگر، راهکارهای مربوط را ارائه داد. طبیعتاً راهکاری که حاصل تلفیق دو یا چند رشته از این علوم باشد، به مراتب از قدرت بازدارندگی بالاتری نسبت به راهکاری است که موضوع فوق را تک بعدی رصد کند.

در میان عوامل مذکور یکی از مهمترین عوامل شکل‌گیری جرایم در ایران، عوامل اقتصادی می‌باشد. یک شوک ناگهانی در اقتصاد ممکن است تأثیر مهم ولی تدریجی در جامعه بگذارد. تورم، که همان افزایش مداوم سطح عمومی قیمت هاست؛ فقر، بیکاری، نابرابری در توزیع درآمدها و تمام عوامل منفی اقتصادی، می‌تواند تا جایی بر روان فرد تأثیر گذارد که انسانی که ذات آن پاک و عاری از هرگونه تباهی است، دست به جرایم و جنایتی مانند قتل، سرقت، فحشا و نظایر آن بزند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳).

در این جهت، هدف نگارندگان مقاله بر آن است که با ترکیب علوم روانشناسی و اقتصاد، به منظور بالا بردن آستانه تحمل و آستانه اخلاقی فرد در شرایط نامطلوب اقتصادی، آن عوامل را به گونه‌ای سازماندهی کنند تا عواملی مانند فقر، بیکاری، نابرابری در آمدی و غیره کمترین اثر را بر افراد گذاشته و در نهایت انگیزه برای ارتکاب جرم را در آنها کاهش دهد.

جرم یا بزه عبارت است از عملی که قانون را نقض کند. به بیان دیگر هر عملی که دارای دو شرط زیر باشد جرم است:



- رفتاری که بیش از حد قابل قبول، مخرب باشد.
- رفتاری که کنترل آن از طریق احکام غیر رسمی به تنهایی دشوار باشد (ستوده و همکاران، ۱۳۷۶: ۵۰-۵۲).

بسیاری از دانشمندان علوم مختلف به صورت جزیره‌ای و منفک از هم به تحلیل علل ارتکاب جرم پرداخته‌اند، جامعه‌شناسان در بیان علل ارتکاب جرم به زیرساخت‌های فرهنگی-اجتماعی جوامع پرداخته و معتقدند بروز جرم به زیرساخت هر اجتماع و فرهنگ خاص آن جامعه ارتباط مستقیم دارد. چون جرم نتیجه جریان‌های گروهی و جمعی مهم اجتماعی است وجود و ارتباط آن با ساخت اجتماع دایمی است (خوش سلوک، ۱۳۸۳). این گروه، متغیرهای محیطی و غیرمحیطی نظیر زمان، مکان، کیفیت وقوع جرم، سن، نژاد و جنسیت را در بروز پدیده جرم مؤثر می‌دانند. روانشناسان نیز بر تمامی صفات روانی و ویژگی‌های شناختی افراد که باعث ارتکاب جرم می‌گردد اشاره می‌کنند؛ در این زمینه گرایشی در علوم روانشناسی به نام «روانشناسی جنایی» وجود دارد، براتل^۱ در سال ۱۹۹۵ به تبیین علم روانشناسی جنایی پرداخته و رفتارهای شخص مجرم را به لحاظ روانشناختی مورد بررسی قرار داده است. روان‌شناسی جنایی علم مطالعه شخصیت تبهکار و شناخت علل و انگیزه‌های تبهکاری و نیز شیوه‌های جامعه‌پذیری و تجربه‌های دوران کودکی و محیط زندگی تبهکار و نقش ناخودآگاه او در ارتکاب جرم است. به بیان دیگر روانشناسی جنایی را می‌توان «مطالعه علمی رفتار جنایی» و فرآیندهای ذهنی که در ارتکاب جرم نقش دارند، تعریف کرد (براتل، ۱۹۹۵). به رفتار مخالف با قوانین متعارف جامعه «رفتار جنایی» گویند. رفتار جنایی که با جرم و بزه نیز مترادف است یک کنش ارادی انسانی است که از شخصی سر زده، زیرا او در موقعیتی قرار گرفته که با درک آن خود را مجاز به ارتکاب آن دانسته است؛ ولی این کنش او برخلاف هنجارها و ارزش‌های متداول در جامعه است. (ریموند، ۱۹۸۸) حتی دانشمندان حوزه زیست‌شناسی نیز معتقدند که برخی از مردم به لحاظ آناتومی و ویژگی‌هایی دارند که بین مجرمین مشترک می‌باشد. این ویژگی‌های جسمانی می‌تواند چنین باشد: جمجمه غیرطبیعی، بینی پهن، گوش‌های بزرگ، لب‌های

1. Bratol

کلفت و گوشت آلود، آرواره بزرگ، گونه‌های استخوانی و برجسته و چشمان مغولی (کی‌نیا، ۱۳۴۰).

حتی برخی از زیست‌شناسان از نظر آناتومی بدن و نوع رفتارهای مجرمین ارتباطی را یافت کرده‌اند و جرم‌های ارتكابی هر تیپ را مشخص کرده‌اند: ۱. بلند قد تنومند: جرم‌های ارتكابی این گروه بیشتر آدم‌کشی بدون تصمیم قبلی می‌باشد. ۲. بلند قد باریک: جرم‌هایشان آدم‌کشی با تصمیم قبلی است (بیماری روانی آن‌ها معمولاً اسکیزوفرنی می‌باشد) ۳. کوتاه قد تنومند: جرم‌هایی نظیر آدم‌کشی، تجاوز و دزدی ناموس مرتکب می‌شوند. (بیماری روانی آنان معمولاً جنون ادواری است) ۴. کوتاه قد باریک: جرم‌های آن‌ها آدم‌کشی، دزدی اموال و راهزنی است (طریقی، ۱۳۵۵: ۱۰۲). اما رویکرد اقتصاددانان به جرم از منظر تحلیل منفعت - هزینه^۱ یا پیشینه‌سازی مطلوبیت ناشی از ارتكاب جرم در کنار محدودیت‌های مختلف آن می‌باشد.

پیشینه تحقیق

نخستین مطالعه در مورد اقتصاد جرم توسط فلیشر^۲ در سال ۱۹۶۳ و ۱۹۶۸ انجام پذیرفته است. وی به بررسی میان جرم و عواملی مانند تعیین نرخ دستمزد و نحوه توزیع درآمد و تأثیر آن در تخصیص زمان میان فعالیت‌های قانونی و غیرقانونی پرداخت (فلیشر، ۱۹۶۳: ۵۵۵-۵۴۳) و (فلیشر، ۱۹۶۶: ۱۳۷-۱۱۸). اما به راستی می‌توان اذعان داشت که «گری بکر»^۳ نخستین اقتصاددانی بود که در سال ۱۹۶۸ با استفاده از وسایل علمی و فنی و با تحلیلی اقتصادی پایه‌گذار اقتصاد جرم بود؛ او در مقاله خود بیان داشت که جرم یک فعالیت یا صنعت اقتصادی مهم است. به اعتقاد بکر، برخی از افراد در پی حداکثرسازی سود خود، با تحلیل منفعت - هزینه هستند این فعالیت که منفعت مادی جرم نسبت به

۱- در تحلیل منفعت - هزینه، انسان هنگامی عملی را انجام می‌دهد که جمع منافع آن از جمع هزینه‌هایش بیشتر باشد و بر اساس این تحلیل در این بحث انسان هنگامی مرتکب به جرم می‌شود که هزینه آن از منافعش کمتر باشد.

2. Fleisher

3. Becker, G.S

کارهای قانونی (با در نظر گرفتن احتمال دستگیری و مجازات آن)، بیش از فعالیت‌های قانونی می‌باشد، مرتکب جرم می‌شوند (بکر، ۱۹۶۸: ۲۱۷-۱۶۹).

پس از بکر و همچنین در سالهای اخیر، مطالعات اقتصادی نسبتاً زیادی در این خصوص انجام گرفت. «ارلیچ^۱» از جمله افرادی بود که مطالعات بسیار وسیعی را انجام داده، می‌توان بیان داشت تأثیرات مطالعات او در این حوزه به لحاظ گستردگی از تمام اقتصاددانان بیشتر بوده، او در سال ۱۹۷۳ با وارد کردن درآمد و نحوه توزیع آن به مدل بکر، تحلیل‌های جرم را بازتر کرد (ارلیچ، ۱۹۷۳: ۵۶۹-۵۲۱). همچنین وی در سال ۱۹۸۵ ارتباط معنی داری بین سطح آموزش (تحصیلات) و مجرمین در ایالات متحده امریکا یافت (ارلیچ، ۱۹۸۵: ۹۱-۸۴). وی در مطالعات دیگر خود در سال‌های ۱۹۸۱ و ۱۹۹۹ به مطالعه در خصوص تأثیرات مجازات‌ها و کلیه عوامل بازدارندگی (با رویکردی اقتصادی) در کاهش پدیده جرم پرداخت (ارلیچ، ۱۹۸۱: ۲۲۷-۲۰۹) و (ارلیچ، ۱۹۹۹: ۴۸۷-۴۵۵).

«جو کوئیست^۲» در سال ۱۹۷۳ با پیروی از مدل بکر، و با تصریح تابع مطلوبیتی از نوع «فون نیومن - مورگنسترون» برای افراد، تابع مطلوبیت انتظاری (برای جرم) را با قید زمان حداکثر می‌نماید و نتیجه می‌گیرد که افزایش نسبت دستگیرشدگان به تعداد جرم‌ها، میزان جرم را می‌کاهد (جو کوئیست، ۱۹۷۳: ۴۶۶-۴۳۹).

«بورددت، لاگوس و وایت^۳» در سال ۱۹۹۹ مدلی را طراحی کردند که بیکاری، جرم و نابرابری هر سه به صورت درون‌زا در آن تعیین شده و به بررسی ارتباط این موضوع با پدیده جرم می‌پردازند (بورددت، ۲۰۰۲).

«کلی^۴» در سال ۲۰۰۰ تحقیقات «جون، مورفی و پیریس» را مورد آزمون تجربی قرار می‌دهد و بیان می‌کند بازدهی انتظاری جرم زمانی که افراد با سطح زندگی پایین در کنار افراد دارای سطح زندگی بالا قرار می‌گیرند، افزایش می‌یابد. وی بیان می‌دارد افرادی که

-
1. Ehrlich
 2. Sjoquist
 3. Burddet, Lagos & Wright
 4. Kelly



دارای فرصت های اندکی در مقایسه با جامعه هستند برای رسیدن به اهداف خود دست به کارهای غیرقانونی می زنند (کلی، ۲۰۰۰: ۵۳۹-۵۳۰).

«وینبرگ و موستارد»^۱ در سال ۲۰۰۲ می گوید که باید نرخ دستمزد را در کنار بیکاری مورد بررسی قرار داد و با مطالعه ای تجربی نشان دادند که کاهش مداوم نرخ دستمزد و افزایش نرخ بیکاری در آن واحد می تواند باعث افزایش نرخ جرم شود (گولد^۲، ۲۰۰۲: ۶۱-۴۵).

در ایران مطالعات اندکی در خصوص اقتصاد جرم صورت پذیرفته که می توان به موارد زیر اشاره داشت:

مرتضی حسینی نژاد در سال ۱۳۸۴ در مقاله ای تحت عنوان «بررسی علل اقتصادی جرم در ایران با استفاده از یک مدل داده های تلفیقی: مورد سرقت» به بررسی عوامل مؤثر بر جرم در ایران پرداخته و مدل مورد استفاده وی از نوع اقتصادسنجی و بر مبنای داده های تلفیقی است. وی در این مقاله به مطالعه موردی بر سرقت اتومبیل و اماکن پرداخته و نتایجی بدین شرح بدست آورده است:

۱. سرقت اتومبیل: افزایش نابرابری و افزایش نسبت جوانان در جامعه اثر مثبت و افزایشی می گذارد و افزایش هزینه های انتظامی و رشد اقتصادی اثری کاهنده دربردارد.
۲. سرقت اماکن: افزایش نابرابری و افزایش نسبت جوانان در جامعه دارای اثری معنی دار و مثبت است و افزایش هزینه های انتظامی دارای اثری کاهنده است (حسینی نژاد، ۱۳۷۵: ۳۵).

حسین صادقی و همکارانش در سال ۱۳۸۳ در پژوهش خود با عنوان «تحلیل عوامل اقتصادی اثرگذار بر جرم در ایران» به بررسی عوامل اقتصادی جرم- قتل و سرقت- با استفاده از روش پانل دیتا پرداخته اند. متغیرهای مورد استفاده عبارتند از: فقر نسبی، نابرابری درآمدی، نرخ بیکاری و صنعتی شدن بوده؛ یافته های حاصل از این پژوهش طی دوره زمانی ۸۰-۱۳۷۶ در ۲۶ استان کشور نشان داد که افزایش در میزان فقر نسبی و نابرابری

1. Weinberg & Mustard
2. Gould



درآمدی موجب افزایش در نرخ سرقت گشته و افزایش صنعتی شدن کاهش دهنده این امر است؛ از سویی دیگر متغیرهای فقر نسبی، نابرابری درآمدی و نرخ بیکاری از عوامل مؤثر بر قتل در کشور بوده و با آن رابطه مستقیم دارد (صادقی و همکاران، ۱۳۸۴: ۶۸-۹۰).
روش تحقیق مورد نظر با استفاده از منابع کتابخانه ای، مصاحبه ای و جستجوی پایگاه‌های اینترنتی می باشد.

مبانی نظری (عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم)

به منظور تحلیل اقتصادی وقوع جرم، الگویی بدین شرح بیان می گردد:

$$\text{Crime} = F(G, U, AP, M, EX, ED, PJ, O)$$

نابرابری درآمدی^۱ (G)

یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر جرم، نابرابری اقتصادی است. نابرابری اقتصادی عمدتاً از طریق نابرابری درآمدی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (صادقی و همکاران، ۱۳۸۴: ۶۸-۹۰). از جمله عوامل اثرگذاری برای ایجاد پدیده جرم می‌توان نابرابری درآمدی را متذکر شد. چرا که نابرابری درآمدی میان دهک‌های جامعه منجر به ایجاد فاصله طبقاتی گشته و افراد دهک‌های پائین برای پر کردن شکاف طبقاتی از طریق عملی روانی به نام حسادت دست به جرم می‌زنند. برای بدست آوردن این شاخص می‌توان از ضریب جینی یا نسبت هزینه‌های خوراکی و غیرخوراکی دو دهک آخر نسبت به دو دهک اول به دست آورد (صادقی و همکاران، ۱۳۸۴: ۶۸-۹۰).

نرخ بیکاری^۲ (U)

یکی از مهم‌ترین و اثرگذارترین عوامل مؤثر بر ایجاد جرم پدیده بیکاری است؛ چرا که بیکاری موجبات ایجاد فقر، نابرابری درآمد، مهاجرت، اختلاف خانوادگی و ... را فراهم می‌کند؛ البته برخی از مطالعات وجود دارد که حاکی از عدم ارتباط یا ارتباط منفی بین بیکاری و جرم می‌باشد، اما بدیهی است که افراد هویت خود را در موقعیت کاری که

1. Unequal

2. Unemployment



دارند، جستجو می‌کنند و هر گاه برای تمام افراد جویای کار، شغلی یافت شود آنگاه انگیزه آنها برای ارتکاب جرم کاهش می‌یابد. نرخ بیکاری عبارت است از جمعیت بیکار به کل جمعیت فعال (شاغل و بیکار) ضرب در ۱۰۰. یکی از شاخص‌های توسعه یافتگی هر کشوری پایین بودن نرخ بیکاری در آن است.

فقر مطلق^۱ (AP)

هرچند که نتایج معدودی از مطالعات به نبودن رابطه بین فقر و جرم یا حتی وجود رابطه منفی بین فقر و جرم دلالت دارد، (صادقی و همکاران، ۱۳۸۴: ۶۸-۹۰) اما به عقیده نگارندگان، فقر یکی از مؤثرترین عوامل در ارتکاب جرم است. بدین صورت که هنگامی که فرد در شرایط سوء تغذیه، عدم دسترسی به امکانات بهداشتی و آموزشی، عدم وجود سرپناه مناسب برای زندگی و شرایطی مشابه، قرار گیرد، به ناچار گزینه فعالیت‌های غیرقانونی (ارتکاب جرم) را انتخاب می‌کند. در ادبیات دینی ما فقر عامل تمام فسادهاست. فقر به دو صورت مطلق^۲ و نسبی بیان می‌شود: منظور از فقر مطلق آن نوع فقری است که فرد برای بدست آوردن حداقل نیازهای غذایی (حداقل کیلوکالری غذایی) و حداقل نیازهای بهداشتی خود در مضیقه باشد و منظور از فقر نسبی، آن نوع فقری است که فرد، حداقل نیازها را داشته لیکن در مقایسه با سایر افراد جامعه فقیر باشد. (صادقی و همکاران، ۱۳۸۴: ۶۸-۹۰)

مبنای مطالعه در این پژوهش، فقر مطلق می‌باشد، چرا که به نظر می‌رسد فقر نسبی، همبستگی بالایی با شاخص نابرابری درآمدها داشته باشد و اگر فقر مطلق شاخص قرار گیرد، نتیجه واقعی تری خواهد داد.

صنعتی شدن و مهاجرت^۳ (M)

از جمله عوامل اثرگذار، تغییر سریع روند صنعتی شدن و پدیده شهرنشینی و مهاجرت از روستا و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ می‌باشد. افراد به واسطه عواملی مانند

1. Absolute poverty

به آن معنا که فرد به علت گرسنگی در آستانه مرگ قرار گیرد و دست به دزدی بزند.

3. Immigration & Mystery

بیکاری، فقرمالی، آموزشی و ... اقدام به مهاجرت می کنند. زمانی که وارد کلان شهرها می شوند، به واسطه گسترده بودن محیط، احساس آزادی عمل و خودمختاری نموده و اقدام به اعمال ناهنجاری های اخلاقی و جرم می کنند.

عامل مهاجرت به همراه خود، تنوع فرهنگ ها، ارزش ها و معیارهای اجتماعی متفاوت را دارد و باعث ایجاد فشارهای اقتصادی زیادی در کشور می گردد. خالی از سکنه شدن برخی از نواحی و بالعکس آن انفجار جمعیتی در برخی از شهرها، کنترل و هدایت امنیتی را دچار اختلال می کند و همین طور موجب ناهمگونی توزیع ارکان اقتصادی می گردد که این خود عاملی تشدید کننده در امر مهاجرت می شود.

تجربه گذشته فرد^۱ (EX)

چنانچه فردی در گذشته مرتکب جرم شده باشد، به علت پیدا کردن چهره منفی در جامعه در بازار کار دچار مشکل می گردد و از سویی دیگر، فرد مجرم به دلیل پیدا کردن تجربه در اعمال مجرمانه خویش، هزینه اجرایی جرم را برای خود کاهش می دهد. از منظری دیگر به دلیل مداومت بر جرم، وجدان اخلاقی فرد نیز کاهش می یابد. لذا موارد ذکر شده عواملی هستند که به واسطه تجربه گذشته فرد ایجاد شده و باعث افزایش جرم می گردند.

سطح آموزش^۲ (ED)

همان طور که می دانیم فقر علمی و آموزشی موجبات ایجاد انحرافات می باشد. به گونه ای که هر چه سطح آموزش افراد در جامعه بالا رود از میزان ارتکاب به جرم کاسته می شود. از بعد دیگر هر چه سطح آموزش فردی که مستعد ارتکاب جرم است بالاتر رود، میزان ارتکاب به جرم بیشتر می شود به طور مثال در دنیای کنونی هکرها از جمله افرادی هستند که با داشتن هوش و سطح آموزشی بالا مرتکب به جرایم اینترنتی می شوند.

بنابراین به طور حتم نمی توان بیان داشت که افزایش سطح آموزش علمی می تواند منجر به کاهش میزان جرم گردد؛ لذا می توان عامل رشد سطح آموزشی علمی را همراه با رشد سطح آموزش فرهنگی هم پوشانی کرد به گونه ای که با افزایش آموزش های فرهنگی

1. Experience
2. Education



از طریق بالا بردن اخلاق فردی، در کنار آموزش‌های علمی می‌توان از میزان ارتکاب افراد به جرم کاست.

هم‌چنین به لحاظ اقتصادی می‌توان اذعان داشت که افزایش سطح آموزشی، سطح درآمد فرد را بالا می‌برد.

توان پلیسی و قضائی^۱ (PJ)

عوامل دیگری نظیر توان پلیسی و قضائی، احتمال دستگیری، میزان مجازات‌ها و مواردی مشابه می‌تواند تحت عنوان عامل بازدارندگی بیان شود. طبیعی است که هر چه توان امنیتی و قضائی در جامعه‌ای بیشتر باشد، اعمال کارهای مجرمانه نیز کاهش خواهد یافت. وجود نیروهای آموزش دیده پلیس و همین‌طور و اعمال قانون‌های روزآمد، متناسب با جرایم می‌تواند تأثیری منفی بر ارتکاب جرم داشته باشد (حسینی نژاد، ۱۳۷۵: ۳۵).

علل و انگیزه‌های روانی - عاطفی جرم

علل و انگیزه‌های روانی - عاطفی جرم را می‌توان به شرح زیر بر شمرد:

۱- فقر عاطفی

فقر عاطفی از عوامل فردی جرم است. کودکانی که از اختلالات عاطفی شدید رنج می‌برند، معمولاً در خانواده‌هایی رشد یافته‌اند که در اثر طلاق از هم پاشیده شده یا والدین تربیت مناسبی را برای فرزندان در نظر نگرفته‌اند. مرگ یکی از والدین و تبعیض بین فرزندان حالت‌هایی چون انزوای طلبی، افسردگی و اختلالات رفتاری در کودکان به وجود می‌آورد و این عوامل به نوبه خود ارتکاب جرم را تسهیل می‌کند. نظریه بی‌هنجاری این مسئله را مطرح می‌کند که افراد هر جامعه یک سلسله هدف‌های پذیرفته شده فرهنگی را دنبال می‌کنند که برای نیل به آنها به یک سلسله ابزار و وسایل نیاز دارند. هنگامی که افراد به شیوه‌های مشروع از رسیدن به هدف‌ها مأیوس شوند به نوآوری یا شورش دست می‌زنند (والش^۲، ۲۰۰۷: ۷۶-۷۳).

1. Polices & judicial
2. Walsh

زیرا وقتی در جامعه‌ای بر هدف‌ها بیش از حد تکیه شود و وسایل رسیدن به آنها نادیده انگاشته گردد وقوع جرم قابل پیش بینی است، به طور مثال سرقت، نوعی نوآوری در رسیدن به هدف تلقی می‌شود (ویتزمن، ۲۰۰۸: ۱۴۰-۱۲۵).

۲- ناکامی

ناکامی یا محرومیت اصطلاحی است که در زمینه شکست در ارضای تمایلات به کار می‌رود و مراد از آن عدم امکان نیل به هدف است. شیوع فراوان سرقت و دیگر تبهکاری‌ها در میان گروه‌های فقیرتر و افزایش آن در دوران سختی و تنگدستی را باید واکنشی در برابر ناکامی دانست (سامپسون^۱، ۲۰۰۵: ۴۰-۷).

۳- حسادت

حسد آرزوی زوال نعمت برای دیگران است. گاه فرد با توجه به امکان دستیابی به موقعیت و منزلت دیگران رشک و حسد می‌برد و چون نمی‌تواند به مانند صاحبان اموال مالک آنها گردد، دست به جرم می‌زند، تمایل به دزدی یکی از خصوصیات جنون اخلاقی است و گاه هم اگر تنها خصوصیت آن نباشد، بارزترین آنهاست (ریچمن^۲، ۲۰۰۲: ۹۳۷-۹۳۲).

۴- تجربه‌های دوران کودکی

حوادث تلخ دوران کودکی ممکن است از فرد شخصیتی جامعه ستیز بسازد که در بزرگسالی او را به اعمال ضداجتماعی سوق دهد، چنین فردی دارای کج‌رویه‌های چندی است. از جمله از اذیت و آزار دیگران و سرقت اموال آنها لذت می‌برد، زیرا وقتی دست به چنین کاری می‌زند، گمان می‌کند انتقام خود را از دنیای بی‌رحم گرفته است.

۵- احساس ناامنی

وضعیت معشوش خانواده، ستیز و اختلاف بین پدر و مادر و رفتار خشونت‌آمیز والدین از علل مهمی است که نوجوانان را دچار نگرانی و ناامنی کرده و در خود فرو می‌برد و به کناره‌گیری از دیگران به ویژه پدر و مادر می‌کشاند. جوان در چنین شرایطی روابط خود را

1. Sampson
2. Richman

با والدین گسسته، گاه در نتیجه فشار یا خواست درونی ناچار می‌شود برای ارضای نیازهای مادی و معنوی خود یا برای انتقام گرفتن از والدین به خاطر محدودیت‌ها و سختگیریهایی نابجای آنها دست به جرم و جنایت بزند (اسنو^۱، ۲۰۰۷: ۵۴۹-۵۳۲).

۶- پرخاشگری

رفتاری است که پیامدهای متعددی دارد و از جمله موجب خسارت و زیان فرد به فرد یا افراد دیگر می‌شود. خسارت و زیان می‌تواند جسمی یا روانی باشد. پرخاشگری یک نوع واکنش روانی است. فرد به وسیله پرخاش و اعمال ضد اجتماعی می‌خواهد ناکامی خویش را جبران کند. وقتی شخصی همه راههای پیشرفت را به روی خود مسدود می‌بیند و از ارضای نیازهای عاطفی و روانی و مادی خود باز می‌ماند، در برخی از موارد سعی می‌کند با اتخاذ روش‌ها و شیوه‌های مختلف به تحریک دیگران یا حمله به آنها پردازد یا با غارتگری و تباہ کردن اموال دیگران، به احساس رضایت موقت برسد.

۷- خودنمایی

برخی از جوانان برای نشان دادن «کله شقی» و جرأت حادثه جویی که برای آنها بسیار ارزشمند است، به بزهکاری روی می‌آورند و ظاهراً مصرف مواد مخدر یا دست زدن به سرقت برای یک جوان، او را در چشم همگانش «کسی» می‌سازد. از این رو فرد با موقعیت‌های مساعدی برای ارتکاب جرم روبرو می‌گردد و به سرقت اموال دیگران دست می‌زند و اموال مسروقه را با افتخار در اختیار دوستان می‌گذارد. بدین وسیله با ایفای چنین نقشی نیاز به تعلق خاطر گروهی خود را برآورده می‌سازد (وایت بک^۲، ۲۰۰۴: ۱۲۵-۱۰۸).

۸- محبت زیاد

زیاده روی در محبت نیز، مانع رشد و تکامل شخصیت کودک است. کودکان نازپرورده که در محیط خانواده تمام توقعات و خواسته‌هایشان بدون چون و چرا انجام می‌گیرد، در اجتماع نیز انتظار دارند تمام آرزوهای آنان به زودی برآورده شود. در صورت عدم توفیق و

1. Snow
2. Whitbeck



روبرو شدن با شکست تصور می کنند که همه علیه آنان قیام کرده و عداوت دارند. در نتیجه ترسو، خود خواه، پرمدعا و پرتوقع بوده با قبول عضویت در باندهای مختلف جرم و جنایت می خواهند از جامعه انتقام بگیرند.

۹- سایر عوامل^۱ (O)

خرده عوامل دیگری نظیر عوامل فرهنگی، مذهبی، جمعیتی (هرم سنی جمعیتی و جنسیت)، اختلافات خانوادگی و مواردی مشابه می توانند از طریق جایجایی در آستانه اخلاقی انسان، انگیزه برای جرم را به وجود آورد (حسینی نژاد، ۱۳۷۵: ۳۵).

تحلیل نتایج و ارائه راهکارهای پیشنهادی برای پیشگیری از وقوع جرم در این بند از مقاله، نتایج حاصل از بررسی هر یک از عوامل مؤثر بر وقوع جرم را ارائه داده، سپس با تلفیق علوم روانشناسی و اقتصاد، راهکارهایی ارائه می گردد که عوامل منفی اقتصادی کمترین تأثیرگذاری بر افراد را گذاشته تا انگیزه برای ارتکاب جرم کاهش یابد.

۱- نابرابری اقتصادی

مطالعات حسینی نژاد (۱۳۸۴) و صادقی و همکاران (۱۳۸۳) حاکی از وجود ارتباط معنادار بین نابرابری اقتصادی و جرایمی نظیر سرقت و قتل است (حسینی نژاد، ۱۳۷۵: ۳۵) و (صادقی و همکاران، ۱۳۸۴: ۶۸-۹۰).

میل به موفقیت و برتری و علاقه به کسب قدرت و اهمیت از تمایلات طبیعی بشر است. حال اگر فردی در جامعه احساس کند که در شرایط ناعادلانه قرار دارد، دست به اعمالی می زند که در خلال آن بتواند خود را نشان دهد و برای دستیابی به حقی که برای او در نظر گرفته نشده، به سوی جرم کشیده می شود. در این حالت فرد، به امکانات و پاداش هایی که احساس می کند از او گرفته شده، متمرکز می شود و دست به جرم می زند. راهکار مورد نظر این است که به افراد نشان دهیم که نعمات الهی و استعداد های ذاتی افراد مختلف، متفاوت است و هر کس بنا بر موهبت محیطی و ذاتی که خداوند برای او فراهم ساخته است، می تواند فعالیت کند و موجبات رشد و موفقیت خود را فراهم آورد.

1. Others



به عنوان مثال اگر من نتوانستم از طریق تجارت کسب سود کنم شاید بتوانم از طریق کشاورزی به درآمد بالاتری برسم.

۲- بیکاری

مطالعات صادقی و همکاران (۱۳۸۳) حاکی از وجود ارتباط مثبت بین بیکاری و سرقت در سطح اطمینان ۹۹ درصد و ارتباط بین بیکاری و قتل در سطح اطمینان ۹۴ درصد می‌باشد (صادقی و همکاران، ۱۳۸۴: ۶۸-۹۰).

البته در تحلیل بیکاری باید هرم سنی جمعیتی را نیز در نظر گرفت که اغلب بیکارانی که دست به جرم می‌زنند در سنین جوانی قرار دارند (حسینی نژاد، ۱۳۷۵: ۳۵). اما برای تحلیل این پدیده از بُعد اقتصادی- روانشناسی می‌توان گفت که اگر فردی، مدتی که جویای کار بود، نتوانست شغل مورد نظر خود را پیدا کند، در نتیجه ممکن است به وی استرس و اضطراب روانی وارد گردد که با رعایت نشدن اصل اقتصاد روانی بستر مناسبی را برای ارتکاب به جرم فراهم می‌آید.

راهکار مورد نظر این است که شرایط را به گونه‌ای فراهم آوریم تا روانشناسان، اصول اقتصاد روانی را برای بیکاران و کلیه کسانی که بر اثر مشکلات اقتصادی دچار استرس شده‌اند، تشریح کنند و اضطراب و استرس آنها را تا جایی که امکان دارد، کاهش دهند.

۳- فقر

مطالعات صادقی و همکاران (۱۳۸۳) حاکی از وجود ارتباط مثبت بین فقر و سرقت در سطح اطمینان ۹۹ درصد و ارتباط بین فقر و قتل در سطح اطمینان ۹۴ درصد می‌باشد (صادقی و همکاران، ۱۳۸۴: ۶۸-۹۰).

به منظور تحلیل پدیده فقر (البته فقر نسبی نه فقر مطلق) می‌توان از دو دریچه به موضوع نگریست: یکی عوامل اقتصادی منفی که باعث بروز استرس و اضطراب در فرد می‌شود که راهکار آن نیز مانند مورد بالا برقراری اقتصاد روانی می‌باشد.



اما در تحلیل نوع دوم می توان ادغان داشت که فردی که در سراسر زندگی اش در رنج به سر می برد، نمی تواند احساس برتری طلبی کند و نسبت به دیگران رابطه محبت آمیزی داشته باشد. راهکار مورد نظر این است که اولاً روحیه فرد را بالا برده و حس امیدواری نسبت به آینده را برای فرد تازه نگه داشته، همچنین باید بستری را فراهم کرد تا وی در خانه، اجتماع و محل کار مورد احترام و قدردانی دیگران واقع شود تا تصور مثبتی از خود داشته باشد.

۴- صنعتی شدن و مهاجرت

در نمونه موردی ایران، افرادی که مطالعات آماری انجام داده اند، نتوانسته اند بین مهاجرت و شهرنشینی ارتباط معناداری پیدا کنند (صادقی و همکاران، ۱۳۸۴: ۶۸-۹۰). اما مطالعاتی در سطح جهانی وجود دارد که پدیده گسترش شهرها تأثیر مثبتی بر وقوع جرم داشته است. هنگامی که فرد در شهری بزرگ وارد شود، به سبب وسعت منطقه، حس آزادی عمل و خودمختاری کرده و برای وی احتمال موفقیت در انجام دادن فعالیت مجرمانه بیش از ریسک ناشی از دستگیری می باشد.

راهکار مورد نظر از بُعد روانشناسی- اقتصادی این است تا حس خودکنترلی را در فرد بالا برده و همچنین مطابق با اصل هوش هیجانی، هیجانات فرد را کنترل کرده و فرد را در مسیر ارزش آفرینی در سیستم اقتصادی هدایت کنیم.

۵- تجارب گذشته فرد، آموزش و سایر عوامل

نقطه مشترک تأثیر گذاری این دو عامل بر ارتکاب جرم، آستانه اخلاقی فرد مجرم می باشد. همان گونه که عنوان گردید آستانه اخلاقی فردی که قبلاً مرتکب جرم یا جنایت شده، پایین می باشد. همچنین فردی که دارای سطح آموزش پایینی می باشد نیز دارای آستانه اخلاقی پایینی است.

علم روانشناسی، در حوزه اخلاقیات وارد نشده و برای بالا بردن آستانه اخلاقی افراد راهکاری را نمی تواند ارائه دهد. به نظر می رسد حوزه این علم در مباحث دینی می باشد و راهکارهای آن را نیز باید در دین و دستورهای اخلاقی آن جستجو کرد.



۶- توان پلیسی و قضائی

این عامل نیز در حوزه مطالعات مورد بحث نمی‌باشد و متخصصین امنیتی، پلیسی و قضائی می‌توانند راهکارهای لازم را با توجه به تغییرات قوانین و مقررات، بهره‌گیری از دانش روز دنیا و فناوری اطلاعات بررسی کنند.

از آنجا که مطابق مطالعات صورت گرفته، توان امنیتی و قضائی دارای تأثیر مثبتی بر کاهش وقوع جرایم است (حسینی نژاد، ۱۳۷۵: ۳۵)؛ لذا به پژوهشگران این حوزه پیشنهاد می‌گردد تا مطالعات گسترده‌ای را جهت ارتقای توان امنیتی و قضائی کشور آغاز و نتایج آن را اجرایی کنند.

۷- هزینه جرم

به لحاظ اقتصادی، فردی که مرتکب جرم می‌شود، در ذهن خود منافع ناشی از ارتکاب جرم را بیشتر از هزینه‌های آن (احتمال دستگیری و میزان مجازات‌ها) ارزیابی می‌کند. اما سؤال اینجاست که با توجه به اینکه «هزینه» یک واژه اقتصادی است، آیا علم روانشناسی راهکاری برای بالا بردن هزینه‌های جرم در جامعه دارد؟

در پاسخ باید گفت اگر در نظر بگیریم که هزینه جرم شامل احتمال دستگیری و میزان مجازات است، پس در واقع عاملی است که می‌توان آن را عامل «بازدارندگی» نام برد. اگر کودک به گونه‌ای پرورش یابد که در سنین ۵-۱ سالگی به لحاظ اجتماعی، اخلاقی، امنیتی و... در بستری رشد یابد که «فرا خود» فرد، در مقابل «نهاد» وی تقویت شود، در بزرگسالی، عامل بازدارندگی در وی تقویت شده تا هزینه‌های جرم در ذهن فرد بالا به نظر رسد.

شاید بتوان ادعا کرد که تقویت عامل بازدارندگی از این طریق کم‌هزینه‌ترین، کاراترین و ساده‌ترین راه برای پیشگیری از وقوع جرم می‌باشد که باید مورد توجه جدی برنامه‌ریزان کشورها قرار گیرد.



نتیجه گیری و ارائه راهکارها

وقوع جرم و جنایت، معلول انگیزه‌ها، شرایط، علل و عوامل پیچیده و بسیاری است که موضوع علوم مختلفی چون: حقوق جزا، جرم‌شناسی و جرم‌یابی، روانشناسی کیفری، جامعه‌شناسی کیفری، روان‌پزشکی، اقتصاد و... است. از آنجایی که این پدیده نه تنها به نظام جسمی و روانی افراد درگیر در این موضوع، بلکه به اقتصاد و روان جامعه نیز لطمات جبران ناپذیری وارد می‌کند، لذا پیشگیری از وقوع آن یکی از مباحثی است که باید دقیق‌تر واکاوی شود. بررسی و پژوهش درباره عمل مجرمانه به وسیله روش‌های علمی و قابل اتکای آن، اگر چه ریشه در گذشته دارد، اما از نیمه دوم قرن حاضر گسترده‌تر و عمیق‌تر شده و جرم به عنوان یک پدیده اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است.

به عقیده نگارندگان، نقطه ضعف مطالعات انجام گرفته در این است که متخصصان هر علم، برای پیشگیری از وقوع جرم، هر کدام به تنهایی راهکاری جدا ارائه داده‌اند، اما از آنجاکه وقوع جرم تمام حوزه‌های فوق را در برمی‌گیرد، لذا در صورتی که برای پیشگیری از جرم، بتوان نظریه‌های ارائه شده در حیطه‌های متفاوت از علم را، به یکدیگر ارتباط داد و از طریق پیدا کردن نقطه مشترک آن راهکاری جدید ارائه داد، بی شک راهکار فوق قوی‌تر، علمی‌تر و اجرایی‌تر نسبت به راهکارهای گذشته خواهد بود. بر این اساس و در جهت اجرایی شدن این اندیشه در مقاله فوق، پس از مطالعات و مباحث صورت گرفته، نگارندگان بر آن شدند تا پس از بیان کلیات و دیدگاه‌های هر یک از صاحب نظران علوم اقتصاد و روانشناسی، عوامل اقتصادی و غیراقتصادی مؤثر بر جرم شناسایی شده، حاصل پیوند علوم اقتصاد و روانشناسی می‌تواند در کاهش تأثیرپذیری رفتار انسان در مقابل بروز مشکلات و پدیده‌های منفی اقتصادی مانند نابرابری درآمدی، تورم و... مؤثر واقع شود تا در نهایت منجر به کاهش پدیده جرم در جامعه باشیم.

ظهور یک مجرم، در این تحلیل‌ها، ماحصل فعل و انفعالات درون شبکه‌ای از روابط اجتماعی است که در سطوح تحلیلی کلان و خرد، شرایطی را فراهم می‌آورند که کارکرد و بازده آن، پدیده جرم یا جنایت است. حال پرسش اساسی این است که چرا در کنار روند جامعه‌پذیری افراد جامعه و پذیرش الگوی رفتاری جامعه، یعنی هنجارها توسط افراد، و به



واسطه آموزش‌های جامعه یا الگوهای تربیتی خانواده و مدرسه و گروه‌های دوستان و... که به صورت طبیعی و معمولی نافی هنجارشکنی می‌باشد، بخشی از افراد جامعه هنجار شکنانه مبادرت به جرم و اعمال انحرافی می‌کنند؟ آیا آنها در گروه معینی به لحاظ سنی قرار دارند؟ آیا محل زندگی (شهر و روستا)، سابقه مهاجرت، وضعیت تحصیلات، وضعیت زناشویی، سابقه ازدواج مجدد در خانواده، می‌توانند بر ارتکاب جرم مؤثر واقع شود؟ آیا سابقه مجرمانه میان خانواده آنها وجود داشته است؟ افرادی که در رده‌های پایین اجتماعی به لحاظ شغل، تحصیلات، درآمد و... قرار دارند به دنبال فرآیند دیگری برای جبران بوده و به سمت شرکت در گروه‌های منحرف و مجرم که از ابزار غیر مشروع برای دستیابی به همان موقعیت‌ها استفاده می‌کنند، سوق می‌یابند. از طرف دیگر، این افراد در فرآیند انطباق با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی به ناچار باید هزینه بیشتری بپردازند که به واسطه توقعات و انتظارات ناچیز دیگران از آنها معنی پیدا کرده است. در این فرآیند، فرد در چارچوب گروه‌های منحرف اجتماعی، باز اجتماعی شدن را تجربه می‌کند و در ارتباطات متقابل رفتار انحرافی خود را بروز می‌دهد. اطرافیان و خانواده به وضع فعلی او عادت کرده و در برابر رفتارهای انحرافی او بی‌تفاوت و سهل‌گیر می‌شوند. قبح زندان شکسته می‌شود و ارتباط با دوستان منحرف به او آرامش می‌دهد. بدین ترتیب شبکه ارتباطات او با سارقان، مجرمان و واسطه‌ها گسترده‌تر می‌شود و شیوه جدید زیستن را می‌آموزد. بنابراین اگر علل بیرونی، فرد را به سمت سرقت اولیه سوق داده است، در همان حال، برخی از عوامل روی او فشار وارد کرده که از انحراف دوری کند، اما در دفعات بعد عوامل تشدیدکننده جدید او را به سمت موفقیت بیشتر در جنایت سوق می‌دهد. بنابراین مجرمان، وارد دنیای جدید اجتماعی به مثابه یک سیستم اجتماعی می‌شوند. پس، اگر قرار است با جرم و جنایت مبارزه شود به جای مبارزه با مجرم و همزمان با آن، باید به اصلاح و بازسازی سیستم اجتماعی همت گماشت که مجرم ساز است.

رسانه‌های جمعی (مطبوعات، تلویزیون و...) موجب جریان شتاب‌گیر تغییرات و تحولات اجتماعی در جهان شده و افکار عمومی را سخت تحت تأثیر قرار می‌دهد. یکی از اخباری که مدام در رسانه منعکس می‌شود، جرم و جنایت است که تأثیر زیادی روی افکار



عمومی می‌گذارد، در حالی که یکی از نقش‌های خوب خبررسانی در رسانه‌ها می‌تواند ایجاد ترس از جرم میان مردم باشد. پرداختن به جرایمی چون سرقت در صفحه حوادث با تیرهای جنجالی، موجب می‌شود سطح اعتماد عمومی کاهش یافته و در نتیجه احساس ناامنی در جامعه بوجود آید. اگر نیروهای انتظامی در برابر پیچیدگی‌های این جرایم از روش‌های قدیمی مبارزه استفاده کنند معلوم نیست چقدر بتوانند در ایجاد امنیت موفق باشند. این نیروها به موازات پیچیده شدن شرایط زندگی در شیوه‌های عمل سارقین و مجرمین باید باطی دوره‌های آموزش با جدیدترین روشهای مبارزه و مهار مجرمین آشنا شده و به موقع بتوانند از این شگردها در مبارزه با مجرمین و سارقین، بهره برداری کنند.

ضرورت بافت جمعیتی بسیار جوانی که نزدیک به ۴۵ درصد جمعیت آن را جوانان زیر ۲۰ سال تشکیل می‌دهند (در مقایسه با جمعیت زیر ۲۰ سال جهان که قریب به ۳۶ درصد می‌باشد) از یک طرف و از طرف دیگر تحولات اجتماعی سریع در سطح جامعه، بروز انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی، هجوم فرهنگی و علل و عوامل دیگر باعث شده به‌طور روز افزون شاهد افزایش آسیب‌های اجتماعی باشیم. همان‌طور که ذکر شد مسائلی مانند بیکاری، اعتیاد، طلاق، همسر آزاری، کودک آزاری، خودکشی و دهها عامل دیگر این روزها جوامع مختلف بشری را در بر گرفته است که برای مثال می‌توان به مورد بیکاری اشاره کرد. با بررسی افرادی که در اثر شرایط نامساعد اقتصادی دچار محکومیت قضائی شده‌اند و غالب آنها خودشان به‌طور مستقیم مسئول مشکل خود نبوده‌اند، مشاهده می‌کنیم که عامل اصلی بروز مشکلات آنها، بیکاری بوده است. در واقع جامعه با عدم تأمین درآمد متناسب با نیازهای آنها، سلامت روحی و روانی در فرد و سلامت روانی - اجتماعی جامعه را به خطر انداخته است. در بسیاری از کشورها بیکاری آشکار در مناطق شهری، به حدود ۱۵-۲۵ درصد نیروی کار، که اکثریت آن افراد ۱۵-۲۴ ساله می‌باشند می‌رسد، و در واقع در جهان سوم، عمده تمرکز بیکاری روی جوانان و دانش‌آموخته‌هاست که از یک طرف می‌توان آنرا منعکس کننده نرخ بی‌رویه و سریع رشد جمعیت جوان دانست و از طرفی آنرا مرتبط با بی‌برنامگی در ایجاد تعادل بین دانش‌آموختگان با فرصت‌های شغلی موجود در بازار کار برآورد کرد. برنامه‌های توسعه اقتصادی (اول، دوم و سوم) نگاهی یکسان به



موضوع اشتغال داشته‌اند بگونه‌ای که در برنامه دوم اشتغال نسبت به سایر جنبه‌ها ضعیف‌تر است پیشنهاد می‌شود با توجه به معضلات و مشکلات ناشی از بیکاری مانند سرقت، اعتیاد به مواد مخدر، اختلافات خانوادگی، بیماری‌های روانی ناشی از بیکاری، مسائل اجتماعی ناشی از آن مانند مهاجرت و امثالهم، سوگیری خوب برنامه سوم به مسئله اشتغال در برنامه‌های بعدی نیز دیده شود تا بتوان این عوامل را که زمینه‌ساز ارتکاب جرم و جنایت هستند، محدودتر کرد.

به‌طور کلی در درمان موارد شدیدتر اختلالات روانی که منجر به جرم و جنایت می‌شود می‌توان با روان درمانی طولانی مدت برای بازسازی شخصیت و شناخت انگیزه درونی و رفع احتیاجات معنوی و عاطفی پرداخت. چه بهتر که برای پیشگیری از هزینه‌های سنگین درمان و اثربخشی محدود آنها در دوران بزرگسالی در باب جرم و جنایت، از دوران کودکی به این مهم اقدام گردد. به‌طور مثال با شرکت دادن دانش آموزان یا مسئولیت دادن در فعالیت‌های مربوط به نمایش و تئاتر، موزیک و فعالیت‌های ورزشی می‌توان در کاهش میزان سرقت در نوجوانان مؤثر بود.

در تمام موارد کمک و درمان در دوران کودکی، بستگی تام به شناخت انگیزه‌های حاکم بر رفتار او دارد؛ مثلاً برای کودکی که گرسنه است باید حداقل نیاز اولیه او رفع شود. به کودکی که برای جلب توجه و تأیید گروه دوستانش دست به جرمی همانند دزدی می‌زند، باید کمک کرد تا از طریق راههای مشروع، در پی کسب محبوبیت اجتماعی برآید. کودکی که برای جلب توجه والدین یا انتقام جویی از آنها مرتکب خلاف می‌شود باید مورد توجه و محبت بیشتری قرار گیرد.

لذا پیشنهاد می‌گردد ستادهای مربوط، با تدوین برنامه‌های زمانی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت، از علل بروز جرم جلوگیری کنند. طبیعتاً برای جلوگیری از ارتکاب جرم، می‌توان افزایش توان پلیسی و قضائی، احداث مراکز مشاوره توسط نهادهای مربوط به افراد بزه دیده و در معرض بزه را، در برنامه‌های کوتاه مدت جای داد، هم چنین اقدامات میان مدتی نظیر توزیع عادلانه درآمد، کاهش نرخ بیکاری، کاهش تورم و... بر کاهش ارتکاب جرم بی اثر نخواهد بود و از همه مهمتر باید در یک دوره زمانی بلندمدت اقدام به

فرهنگ سازی و افزایش سطح آموزش عمومی مردم پرداخت و برنامه‌هایی را نظیر ارتقای سلامت روحی- روانی افراد جامعه پیاده کرد، بدیهی است که ارتقای سطح فرهنگ و اقتصاد جامعه، به صورت فزاینده، اثر مثبتی بر ارتقای سلامت معنوی^۱ جامعه خواهد گذاشت و انگیزه ارتکاب جرم را کاهش خواهد داد.

منابع فارسی

- حسینی نژاد، مرتضی. (۱۳۸۴). «بررسی علل اقتصادی جرم در ایران با استفاده از یک مدل داده‌های تلغیقی»، مجله برنامه و بودجه، شماره ۹۵.
- خوش سلوک، مهران. (۱۳۸۳). بررسی تحلیلی جرم، انتشارات آتون.
- ریموند، گسن. (۱۹۸۸). مقدمه‌ای بر جرم شناسی؛ (ترجمه مهدی کی نیا)، تهران، انتشارات مترجم، ۱۳۷۰.
- ستوده، هدایت ...، میرزایی، بهشته، پازند، افسانه. (۱۳۷۶). روان شناسی جنایی. انتشارات آوای نور.
- صادقی، حسین و همکاران. (۱۳۸۴). «تحلیل عوامل اقتصادی اثرگذار بر جرم در ایران». مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۸.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله. (۱۳۸۳). «آسیب شناسی اجتماعی: جامعه شناسی انحرافات اجتماعی». انتشارات آن.
- طریقی، شکراله. (۱۳۵۵). روان شناسی و روان پزشکی کیفری. تهران، انتشارات دهخدا.
- کی نیا، مهدی. (۱۳۴۰). علوم جنایی. انتشارات دانشگاه تهران.
- دفتر پرستاری وزارت بهداشت. [modir nurse.blogfa.com]. [آذر ۱۳۸۸].

منابع لاتین

- Bartol, Curt, R (1995), *Criminal behavior*, USA.
- Becker, G.S (1968), *Crime and punishment: An Economic Approach*, Journal of Political Economy, No 76 (2).

۱- مفهوم «سلامت معنوی» داشتن رابطه هماهنگ میان فرد و محیط است؛ البته این واژه به دو بخش سلامت معنوی عمودی یا سلامت مذهبی (ارتباط با خدا) و سلامت معنوی افقی یا سلامت وجودی (رضایتمندی از خود) تقسیم می شود.



- Burdett, K, R.lagos and R. wright (2002), *Crime, Inequality, and Unemployment*, PIER working paper, NO 02-038.
- Doob, C.B (1988). *Sociology: An introduction*, new York: Holt.
- Ehrlich (1973), *Participation in Illegal Activities: A Theoretical and Empirical Investigation*, Journal of Political Economy, No 31 (3).
- Ehrlich .I (1981), *Deterrence: Evidence and Inference* Yale Law Journal, 85 (2), December 1976.
- Ehrlich. I, and Y.M.Chang (1985), *On The Economics of Compliance with the Minimum Wage Laws*, Journal of Political Economy, Vol.93 (1), 1985.
- Ehrlich .I and Z. Liu (1999), *Sensitivity Analyses of the Deterrence Hypothesis: Let's Keep Econ in Econometrics* Journal of Law and Economics, Vol. XL2 April 1999.
- Fleisher, B (1963), *The effect of Unemployment on Juvenile Delinquency*, Journal of Political Economy, No 71 (6).
- Fleisher, B (1966), *The Effect of Income on Delinquency*, American Economic Review, No 56.
- Gould. Eric D & Bruce A. Weinberg & David B. Mustard (2002), *Crime Rates and Local Labor Market Opportunities in the United States: 1979-1997*, The Review of Economics and statistics, MIT press, Vol.84 (1).
- Kelly .M (2000), *Inequality and Crime*, *The Review of Economics and Statistics*, vol.82 (4).
- Sjoquist, D (1973), *Property Crime and Economic Behavior: Some Empirical Results*, American Economic Review, 53.
- Tushima, Masahiro, *Economic structure and crime: The case of Japan*, Journal of socio-economic, Vol25, 2000, No.4.
- Walsh, J. & Bricout, J. (2007). *Improving jail linkages of detainees with mental health agencies: The role of family contact*. *Psychiatric Rehabilitation Journal*, 27.
- Weitzman, B., Knickman, J. & Shinn, M. (2008). *Pathways to homeless among New York city families*.*Journal of Social Issues*, 49.
- Sampson, R. (2005). *Neighborhood and crime: The structural determinants of personal victimization*.*Journal of Research in Crime and Delinquency*, 32.
- Richman, B. J., Convit, A., & Martell, D. (2002). *Homelessness and the mentally ill offender*. *Journal of Forensic Sciences*, 37(3).
- Snow, D., Baker, S., and Anderson, L. (2007). *Criminality and homeless men: An empirical assessment*. *Social Problems*, 45.
- Whitbeck, L. B. & Simons, R. L. (2004). *Life on the streets: The victimization of runaway and homeless adolescents*. *Youth and Society*, 42.